



برای ایران رجمش پادشاه سر خوانان مشرو

padeshahi1339@hotmail.com

A.O.P.R. For Iran, Postfach 740163, 60570 Frankfurt, Germany



”چه کسر مر خواهد مسنو تو ما تشویم؟ خانه اش ویران باد“

خیزش ملی و انقلابی مردم ایران اکنون وارد پنجمین روز خود شده است؛ خیزشی که در بامداد ششم دی ماه ۱۴۰۴ از دل بازار بزرگ تهران و در اعتراض به جهش ناگهانی قیمت ارزهای خارجی—بهویژه دلار آمریکا—و افزایش بهای سکه طلا آغاز شد. آنچه ابتدا رنگ و بوی اقتصادی داشت، تنها در چند ساعت نخست به سرعت ماهیتی سیاسی یافت و به موجی از اعتراضات ضدحکومتی در سراسر کشور تبدیل شد. در همان ساعات ابتدایی، شعارهایی چون ”نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران“ و سپس ”جاوید شاه“ و ”این آخرین نبرده، پهلوی برمیگرده“ در بازار تهران طنین انداز شد. این شعارها مسیر اعتراضات را روشن کرد: مردم تنها به دنبال اصلاحات اقتصادی نیستند، بلکه خواهان تغییر بنیادین ساختار سیاسی کشور هستند.

با گسترش اعتراضات به شهرهای دیگر، حکومت که ابتدا نظار مگر اوضاع بود، به سرعت وارد عمل شد و نیروهای امنیتی را برای مهار و سرکوب اعتراضات به میدان فرستاد. اما گستره و سرعت انتشار این خیزش نشان داد که جامعه ایران وارد مرحله‌ای تازه از مبارزه شده است.

در کنار تحولات میدانی، آنچه توجه بسیاری از ناظران و ما را جلب کرد، نحوه پوشش این رویدادها توسط برخی رسانه‌های بین‌المللی بود. خبرگزاری‌هایی مانند ”آیت الله بی بی سی“ که سال‌هاست به محافظه‌کاری یا مماشات با ساختار قدرت در ایران متهم‌اند، تا روز چهارم همچنان از ”اعتراضات معیشتی“ سخن می‌گفتند و تا پایان روز پنجم از بازتاب شعارهای صریح سیاسی مردم - از جمله ”جاوید شاه“ - خودداری می‌کردند. این نوع پوشش خبری، که گاه با اکراه و گاه با سانسور همراه است، می‌تواند پیامدهای مهمی برای جنبش ملی ایرانیان داشته باشد. بازتاب دقیق و به‌هنگام اعتراضات مردمی نه تنها افکار عمومی جهان را آگاه می‌کند، بلکه می‌تواند بر سرعت و گستره‌ی تحولات نیز اثرگذار باشد. در مقابل، روایت‌های ناقص، تحریف‌شده و سانسور، از سوی بنگاه‌های خبری ”زرد“ می‌کوشند به تثبیت وضع موجود کمک کنند.

دلایل این رویکرد را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

امید به اصلاح‌پذیری جمهوری اسلامی و تمایل به حفظ وضع موجود،

نبود آلترناتیوی که مورد تأیید برخی از محافل قدرت‌های جهانی باشد،

نگرانی از پیامدهای یک انقلاب ملی-دموکراتیک که می‌تواند نظم منطقه‌ای را به ضرر جریانه‌های ارتجاعی دگرگون کند.

این عوامل سبب شده است که برخی رسانه‌ها و محافل سیاسی، آگاهانه یا ناآگاهانه، از بازتاب کامل واقعیت‌های میدانی خودداری کنند.

با این همه، مردم ایران در سال‌های اخیر به آگاهی و تجربه‌ای رسیده‌اند که آنان را از وابستگی به روایت‌های بیرونی بی‌نیاز می‌کند. آنان با شعارهای صریح و انتخاب‌های آگاهانه، مسیر آینده‌ی خود را ترسیم کرده‌اند. شعارهایی چون ”جاوید شاه“ و ”این آخرین نبرده، پهلوی برمیگرده“ تنها بیان یک خواست سیاسی نیست؛ بلکه نشانه‌ی اراده‌ی جمعی برای بازگشت به ثبات، قانون‌مداری، و آینده‌ای صلح‌آمیز است.

این خیزش شاید هنوز به مرحله‌ی یک انقلاب تمام‌عیار نرسیده باشد، اما بی‌تردید مرحله‌ای تعیین‌کننده در مسیر تحول سیاسی ایران است. بازتاب درست و صادقانه‌ی آن می‌تواند بر سرعت و عمق این روند بیفزاید؛ و این همان چیزی است که برخی قدرت‌های جهانی از آن بیم دارند.

معنای سیاسی و اجتماع‌شعار ”جاوید شاه“ در مبارزات مردم ایران

در بستر خیزش ملی و آزادیخواهانه‌ی امروز ایران، شعار ”جاوید شاه“ تنها یک یادآوری تاریخی یا یک شعار هویتی نیست؛ بلکه بیانی فشرده و رسا از خواست عمیق ملت برای رهایی، عدالت و بازسازی ایران است. این شعار در متن مبارزات کنونی، معنایی فراتر از یک اعلام وفاداری دارد و به صورت یک موضع‌گیری روشن در برابر ساختار سرکوب و تبااهی جمهوری ننگین اسلامی فهمیده می‌شود.

”جاوید شاه“ یعنی نه به اعدام، نه به زندان سیاسی و شکنجه، نه به فقر و بی‌سوادی، نه به اقتصاد رانتی و فساد سیستماتیک، نه به گورخوابی و کارتون‌خوابی، نه به حجاب اجباری، نه به بی‌عدالتی اجتماعی و هرگونه تبعیض. این شعار، نفی صریح و بی‌پرده‌ی جمهوری کودک‌کش اسلامی است؛ نظامی که به باور ایرانیان، سرچشمه‌ی اصلی ویرانی، فقر، بی‌ثباتی و بی‌حقوقی در ایران معاصر بوده است.

اما ”جاوید شاه“ تنها نفی نیست؛ اثبات نیز هست. این شعار، اعلام اراده‌ی ملت برای ساختن آینده‌ای مبتنی بر آزادی فردی، سیاسی و اجتماعی است. آینده‌ای که در آن عدالت اجتماعی، حقوق بشر، رفاه عمومی، آموزش و بهداشت رایگان، سندیگاه‌ها و اتحادیه‌های کارگری، ثبات اقتصادی، امنیت ملی و شکوه ایرانزمین جایگاهی بنیادین دارند.

در این معنا، ”جاوید شاه“ تبدیل به یک بیانیه‌ی فشرده‌ی سیاسی می‌شود:

بیانیه‌ای برای بازگشت به کرامت انسانی، برای احیای نظم ملی و برای بازسازی ایران بر پایه‌ی آزادی، قانون و شایستگی. پس در متن این مبارزه تاریخی، این شعار نه یک واژه، بلکه یک موضع است؛ موضعی روشن، صریح و آینده‌ساز. بلند و استوار بگو: جاوید شاه

مسز که بشینم، تو اگر بشین، چه کسر بر خیزد؟ چه کسر باد دشمنه ستیزد؟ چه کسر بخیه در پخه مرد دشمنه دهن آویزد؟
مسز که بر خیزم، تو اگر بر خیزی، همه بر مر خیزند

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران! در بازپخش این فراخوان بکوشید!

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می‌شود، دیدگاه‌های شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شه‌ریار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانه‌های سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!